

مجموعه کتاب های EQ را  
با دو جلد مجزا به دو شیوه بخوانید:

۱. کتاب را از ابتدا باز کنید و  
درسنامه های طبقه بندی شده مطابق با  
امتحانات نهایی را بخوانید.

۲. کتاب را ۱۸۰ درجه بچرخانید و  
نمونه سوالات امتحان نهایی و  
نوبت اول را بخوانید.



## إلهي، إلهي فقير أتاك

## ◇ ترجمه‌ی عبارات مهم متن

فقیّرُ اُتاک.	نیازمندی نزد تو آمده است.
﴿هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾	از جانب خویش به ما رحمتی عطا کن، همانا تو بسیار بخشنده‌ای.
﴿رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ ...﴾	پروردگارا، آن چه را که به وسیله‌ی رسولان خود به ما وعده دادی، به ما عطا کن!
يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا﴿	روزی که هر کس آن چه را که از کار نیک انجام داده، حاضر می‌یابد.
اللَّهُمَّ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَ الْإِهْمَنِي التَّقْوَى وَ وَفَّقْنِي لِلَّتِي هِيَ أَرْكَى!	خدایا، مرا به هدایت (برای هدایت کردن) به سخن آور و پرهیزکاری را به من الهام کن و مرا برای آن چه که نیکوتر است، موفق بدار!
إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ.	اگر شایسته‌ی رحمت تو نباشم، تو سزاوار آن هستی که به برکت توانایی خودت بر من ببخشایی.
﴿وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا﴾	و خداوند از جانب خویش آمرزش و بخششی را به شما نوید می‌دهد.
لِقَاكَ هَوَايَ رِضَاكَ مُنَايَ / فَهَبْ لِي لِقَاكَ وَ هَبْ لِي رِضَاكَ	دیدار تو خواسته‌ی من و خشنودی تو آرزوی من است، پس دیدار و رضایت خود را به من عطا کن.

## ◇◇ ترجمه‌ی عبارات مهم بخش‌های دیگر درس

سَأَلَ أَحَدَ الْأُمَرَاءِ حُكَمَاءَ بِلَادِهِ عَنْ أخطرِ الْأَمْرَاضِ.	یکی از پادشاهان از حکیمان کشورش درباره‌ی خطرناک‌ترین بیماری‌ها سؤال کرد.
وَ طَلَبَ مِنْهُمْ أَنْ يَصِفُوا لَهُ دَوَاءً يُفِيدُ لِشِفَائِهِ.	و از آن‌ها خواست که برای او دارویی را تجویز کنند که برای درمانش مفید باشد.
فَدَارَ الْكَلَامَ بَيْنَهُمْ.	پس سخن بین آن‌ها جریان یافت.
أخطرُ الْأَمْرَاضِ هُوَ الْجَهْلُ وَ دَوَاؤُهُ الْجِبْرُ وَالْقَلَمُ.	خطرناک‌ترین بیماری‌ها نادانی است و داروی آن مرکب و قلم است.
يَقْدِرُ الْإِنْسَانُ بِيَمَانِهِ أَنْ يَكْتَسِبَ وَ يَتَعَلَّمَ وَ يَصِلَ إِلَى أَهْدَافِهِ.	انسان می‌تواند به وسیله‌ی آن دو بنویسد و یاد بگیرد و به اهدافش برسد.
الْإِسْلَامُ يَهْتَمُّ بِالتَّرْبِيَةِ الَّتِي تَقُومُ عَلَى أَساسِ احْتِرَامِ شَخْصِيَّةِ الْأَطْفَالِ مِنَ الْبَنِينَ وَ الْبَنَاتِ عَلَى حَدِّ سَوَاءٍ.	اسلام به تربیتی که بر اساس احترام به شخصیت کودکان از پسران و دختران به طوری مساوی استوار است، اهمیت می‌دهد.
كَانَ النَّبِيُّ (ص) دَائِمًا التَّأَكِيدَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَا يَدْعُ التَّأَكِيدَ عَلَى احْتِرَامِ الصَّغَارِ.	پیامبر (ص) همواره بر آن تأکید می‌نمود و تأکید بر احترام به کودکان را ترک نمی‌کرد.
رَاحَ نَحْوُ أَبِيهِ، فَقَبَّلَهُ الْوَالِدُ وَ أَجْلَسَهُ عِنْدَهُ.	به سوی پدرش رفت، پس پدر او را بوسید و نزد خود نشاند.
أَمَّا الْوَالِدُ فَلَمْ يَقْبَلْهَا وَ لَمْ يُجْلِسْهَا عِنْدَهُ.	اما پدر او را نبوسید و نزد خود ننشاند.
انْزَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنْ فِعْلِهِ وَ قَالَ: لِمَ تُفَرِّقُ بَيْنَ أَطْفَالِكَ؟	رسول خدا (ص) از کار او ناراحت شد و گفت: چرا بین کودکان تفاوتی می‌گذاری؟
شَعَرَ الرَّجُلُ بِالنَّدَمِ فَجَاءَ وَ أَخَذَ بِيَدِهَا وَ قَبَّلَهَا.	مرد احساس پشیمانی کرد پس آمد و دست وی را گرفت و او را بوسید.

## ◇◇◇ آموزش قواعد

**فعل معتل:** فعلی است که در حروف اصلی (ریشه) آن حرف عله (و-ا-ی) به کار رفته باشد. مانند: وَعَدَ - يَسِيرُ - يَعْفُو...

**توجه** برای به خاطر سپردن بهتر، حروف عله را با کلمه‌ی «واى» به ذهن بسپارید.

به فعلی که معتل نباشد، یعنی در حروف اصلی آن حرف عله به کار نرفته باشد، فعل صحیح گفته می‌شود. مانند: خَرَجَ - يَجْلِسُ - أَعْبَدُ ...

## انواع معتل

۱ **مثال (معتل الفاء):** فعلی است که اولین حرف اصلی آن حرف عله باشد.

انواع مثال } مثال واوی، مانند: وَجَدَ  
                                } مثال یایی، مانند: يَتَسَّسُ

۲ **اجوف (معتل العين):** فعلی است که دومین حرف اصلی آن حرف عله باشد.

انواع اجوف } اجوف واوی، مانند: عَادَ (در اصل: عَوَدَ)  
                                } اجوف یایی، مانند: سَارَ (در اصل: سَيَّرَ)

۳ **ناقص (معتل اللام):** فعلی است که سومین حرف اصلی آن حرف عله باشد.

انواع ناقص } ناقص واوی، مانند: دَعَا (در اصل: دَعَوَ)  
                                } ناقص یایی، مانند: هَدَى (در اصل: هَدَى)

## بررسی تغییرات فعل مثال:

۱ **مثال یایی:** در صرف فعل‌های ثلاثی مجرد مثال یایی هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود و مانند فعل‌های صحیح صرف می‌شود.

۲ **مثال واوی:**

■ **الف) ماضی مثال:** در صرف فعل ماضی مثال واوی نیز هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود و مانند فعل‌های معمولی صرف می‌شود.

■ **ب) مضارع مثال:** در تبدیل ماضی مثال واوی به مضارع معلوم، حرف عله حذف می‌شود.

**مثال** وَعَدَ - يَعِدُّ (به جای «يُوعِدُ») / وَدَعَ - يَدَعُ (به جای «يُودَعُ»)

وَصَلَ - يَصِلُ (به جای «يُوصِلُ») / وَهَبَ - يَهَبُ (به جای «يُوهَبُ»)



مثال

غایب	مخاطب	متکلم
قالَ - قالا - قالوا قالتَ - قالتا - قلنَ	قُلْتَ - قُلْتُمَا - قُلْتُمْ قُلْتَ - قُلْتُمَا - قُلْتُنَّ	قُلْتُ - قُلْنَا
سارَ - سارا - ساروا سارتَ - سارتا - سرنَ	سِرتَ - سِرتُمَا - سِرتُمْ سِرتَ - سِرتُمَا - سِرتُنَّ	سِرتَ - سِرْنَا

**دقت کنید:** برای تعیین حرکت فاء الفعل (حرف اول) ماضی اجوف در صیغه‌هایی که حرف عله‌ی آن‌ها حذف می‌شود، به حرکت عین‌الفعل مضارع آن توجه می‌کنیم؛ اگر مضارع آن بر وزن «يَفْعُلُ» بیاید [مانند: قالَ ـ (يقول)، عادَ ـ (يعود)]، حرکت حرف اول، ضمه (ئ) و در غیر این صورت کسره (ِ) است.

۲ مضارع اجوف

مضارع اجوف را با توجه به حرکت عین‌الفعل آن که غالباً در مقابل ماضی‌اش گذاشته می‌شود، می‌توان ساخت. (اگرچه خیلی خوب است که به صورت سماعی آن‌ها را به خاطر سپرد)

**مثال** راحَ ـ یروحُ خافَ ـ یخافُ باعَ ـ یبیعُ قامَ ـ یقومُ

**توجه** در صرف فعل مضارع اجوف در دو صیغه‌ی جمع مؤنث، همواره حرف عله حذف می‌شود.

مثال

غایب	مخاطب	متکلم
يَقُومُ - يَقُومَانِ - يَقُومُونَ تَقُومُ - تَقُومَانِ - تَقُومُونَ يَقُومُ - يَقُومَانِ - يَقُومُونَ	تَقُومُ - تَقُومَانِ - تَقُومُونَ تَقُومِي - تَقُومَانِي - تَقُومُونِ تَقُومُ - تَقُومَانِ - تَقُومُونَ	أَقُومُ - نَقُومُ
يَسِيرُ - يَسِيرَانِ - يَسِيرُونَ تَسِيرُ - تَسِيرَانِ - تَسِيرُونَ يَسِيرُ - يَسِيرَانِ - يَسِيرُونَ	تَسِيرُ - تَسِيرَانِ - تَسِيرُونَ تَسِيرِي - تَسِيرَانِي - تَسِيرُونِ يَسِيرُ - يَسِيرَانِ - يَسِيرُونَ	أَسِيرُ - نَسِيرُ
يَخَافُ - يَخَافَانِ - يَخَافُونَ تَخَافُ - تَخَافَانِ - تَخَافُونَ يَخَافُ - يَخَافَانِ - يَخَافُونَ	تَخَافُ - تَخَافَانِ - تَخَافُونَ تَخَافِي - تَخَافَانِي - تَخَافُونِ يَخَافُ - يَخَافَانِ - يَخَافُونَ	أَخَافُ - نَخَافُ

**دقت کنید:** فرایند تغییر در صیغه‌های جمع مؤنث در مضارع اجوف به این صورت است که در این دو صیغه بعد از حروف کشیده (حرف عله‌ی ساکن) حرف ساکن دیگری قرار می‌گیرد (التقاء ساکنین)، و به همین علت جهت سهولت در تلفظ، حرف عله حذف می‌شود.

(حروف کشیده‌ی «ا، ی، و» + حرف ساکن ← حذف حرف عله)

**مثال** يَقُومَنَّ ← يَقُومَنَّ يَسِيرَنَّ ← يَسِيرَنَّ يَخَافَنَّ ← يَخَافَنَّ

۳ امر اجوف

در فعل‌های امر حاضر اجوف همواره در دو صیغه‌ی «للمخاطب» و «للمخاطبات» حرف عله حذف می‌شود.

مثال

للمخاطب	للمخاطبات	للمخاطبات
تَقُومُ ← قُمْ	تَقُومِي	تَقُومِي
تَقُومَانِ ← قوما	تَقُومَانِي	تَقُومَانِي
تَقُومُونَ ← قوموا	تَقُومُونِ	تَقُومُونِ
تَقُومِي ← قومي	تَقُومِي	تَقُومِي
تَقُومَانِي ← قوما	تَقُومَانِي	تَقُومَانِي
تَقُومَنَّ ← قُمْنَ	تَقُومَنَّ	تَقُومَنَّ

**توجه** حرکتی که در مقابل فعل‌های ماضی گذاشته می‌شود، بیانگر حرکت عین‌الفعل در مضارع آن‌هاست. مثلاً وقتی در مقابل فعلی حرکت ِ گذاشته می‌شود به این معناست که مضارع آن بر وزن «يَفْعُلُ» می‌آید.

**نکته** مضارع معلوم مثال واوی (لغائب) همیشه بر وزن (يَعْلُ) یا (يَعْلُ) می‌آید.

**نتیجه** در تمامی صیغه‌های مضارع مثال واوی حرف عله حذف می‌شود.

مثال

غایب	مخاطب	متکلم
يَجِدُ - يَجِدَانِ - يَجِدُونَ تَجِدُ - تَجِدَانِ - يَجِدَنَّ	تَجِدُ - تَجِدَانِ - تَجِدُونَ تَجِدِي - تَجِدَانِي - تَجِدُونِ	أَجِدُ - نَجِدُ
يَهَبُ - يَهَبَانِ - يَهَبُونَ تَهَبُ - تَهَبَانِ - يَهَبَنَّ	تَهَبُ - تَهَبَانِ - تَهَبُونَ تَهَبِي - تَهَبَانِي - تَهَبُونِ	أَهَبُ - نَهَبُ

■ **امر مثال:** حرف عله در تمام صیغه‌های امر حاضر مثال نیز حذف می‌شود.

مثال

للمخاطب	للمخاطبات	للمخاطبات
تَجِدُ ← جِدْ	تَجِدِي	تَجِدِي
تَجِدَانِ ← جِدا	تَجِدَانِي	تَجِدَانِي
تَجِدُونَ ← جِدوا	تَجِدُونِ	تَجِدُونِ
تَجِدِي ← جِدي	تَجِدِي	تَجِدِي
تَجِدَانِ ← جِدا	تَجِدَانِي	تَجِدَانِي
تَجِدَنَّ ← جِدَنَّ	تَجِدَنَّ	تَجِدَنَّ

نمونه سؤالات امتحان

أكمل الفراغ بالكلمة المناسبة:

- أنتم ..... في الصفّ. (المضارع من «وَقَفَ ِ» للمخاطبين) (شهریور ۹۳)
- «..... لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً» (الأمر للمخاطب من «وَهَبَ َ») (شهریور ۹۲)
- أَنْتِ ..... إِلَى صَفِّكَ. (الماضي من «تَصْلِيَنَّ») (شهریور ۸۹)

- پرکاربردترین فعل‌های مثال واوی را نیز در جدول زیر برایتان آورده‌ایم. آن‌ها را به خاطر بسپارید (و چقدر خوب است که آن‌ها را برای خودتان صرف کنید):

ماضي	وَجَدَ	وَعَدَ	وَصَلَ	وَقَفَ	وَلَدَ	وَصَفَ	وَهَبَ	وَقَعَ	وَدَعَ	وَضَعَ
مضارع	يَجِدُ	يَعِدُ	يَصِلُ	يَقِفُ	يَلِدُ	يَصِفُ	يَهَبُ	يَقَعُ	يَدَعُ	يَضَعُ

**بررسی تغییرات فعل اجوف:**

۱ ماضی اجوف

در صرف فعل‌های ماضی اجوف از صیغه‌ی «للفائبات» (جمع مؤنث غایب) به بعد، حرف عله حذف می‌شود. (یعنی در ۹ صیغه از ۱۴ صیغه)



**نکته** هر فعل معتلّی که بر وزن «قَمَ» به کار برود حتماً امر از اجوف واوی است.

**نکته** در هنگام مجزوم شدن فعل‌های مضارع اجوف در صیغه‌های بدون ضمیر بارز،

حرف عله به علت التقای ساکنین حذف می‌شود.

**مثال** تَعُوذُ مجزوم به «لم» ← لم تَعُدْ تخافُ نهی ← لا تَخَفْ

يَعِيشُ امر غایب ← لِيَعِشْ

- پرکاربردترین فعل‌های اجوف را نیز درجدول زیر برایتان آورده‌ایم؛ آن‌ها را به خاطر بسپارید (و اگر آن‌ها را طبق الگوهایی که ارائه داده‌ایم برای خودتان صرف کنید به یادگیری‌تان بسیار کمک کرده‌اید):

ماضی	قَالَ	كَانَ	فَارَزَ	ذَاقَ	عَادَ	تَابَ	قَامَ
مضارع	يَقُولُ	يَكُونُ	يَفُوزُ	يَذُوقُ	يَعُودُ	يَتُوبُ	يَقُومُ

ماضی	بَاعَ	سَارَ	عَاشَ	جَاءَ	خَافَ	نَامَ	نَالَ
مضارع	يَبِيعُ	يَسِيرُ	يَعِيشُ	يَجِيءُ	يَخَافُ	يَنَامُ	يَنَالُ

#### نمونه سوالات امتحانی

أكمل الفراغ بالكلمة المناسبة:

- ۴) أنتم ..... إلى العمل الصالح. (الماضي من «تعودون»)  
(خرداد ۸۹)
- ۵) إننا ..... إلا الله. (المضارع للنفي من «خافَ»)  
(دی ۸۹)
- ۶) أيها الناس! ..... في الأرض. (أمر من «سارَ» للمخاطبين)  
(دی ۸۹)
- ۷) ..... إنك أنت الأعلى. (المضارع المجزوم بِ لا مِن «خافَ»)  
(شهریور ۹۱)

صحّح الأخطاء:

- ۸) أنتنّ تسيّرين في طريق الحقّ.  
(دی ۸۹)

#### پاسخ نمونه سوالات امتحانی

- ۱) تَقْفُونَ
- ۲) هَبْ (وَهَبَ مضارع) يَهَبْ للمخاطب تَهَبْ امر هَبْ
- ۳) وَصَلَتْ
- ۴) عُدْتُمْ
- ۵) لانخافُ
- ۶) سيروا (سارَ مضارع) يسير للمخاطبين تسيرون امر سيروا
- ۷) لاتخفَ (خافَ مضارع) يخاف للمخاطب تخاف نهی لاتخفَ
- ۸) تسيرون

#### نکات کارگاه ترجمه

۱ در هنگام ترجمه باید به ویژگی‌های فعل از قبیل: زمان، صیغه و لازم و متعدی بودن آن توجه کنیم.

۲ پاره‌ای از افعال با حرف جرّ خاصی به کار می‌روند. باید توجه کنیم که گاهی به ترجمه‌ی این حروف نیازی نیست؛ مانند: عزم علی: تصمیم گرفت، بحث عن: جست‌وجو کرد، شعر بِ: احساس کرد، أخذ بِ: گرفت، ...

**مثال** حصلَ ذلك الرجلُ على مالٍ كثير. ← آن مرد ثروت زیادی را به دست آورد.

شعرَ سعيدٌ بالتّدم عن عمله. ← سعید از کارش احساس پشیمانی کرد.

#### واژه‌نامه

آتِ	بده، بیاور	زادِ -	زیاد کرد
الآخر	دیگر	سارَ -	حرکت کرد، راه رفت
أَنى	آمد	السَّعة	توانایی، قدرت
أجلَسَ	نشاند	سَلَّمَ علی	سلام کرد
أزى	نشان داد	علی حدّ سَوَاءٍ	به طور مساوی، برابر
الأزكى	پاک‌تر، شایسته‌تر	عادَ ء	برگشت
ألهمَّ	الهام کرد	عاشَ -	زندگی کرد
إنتفعَ بِ-	سود برد	فارَ ء	رستگار شد
إنزعَجَ	ناراحت شد، برآشت	فرَحَ	خوشحال شد
أنطقَ	به سخن درآورد	تابَ ء علی	توبه‌ی ... را پذیرفت، بخشید
إهتمَّ بِ-	اهتمام ورزید، توجه کرد	لَدُنْ	نزد، پیش
الأهل	شایسته	اللقاء	ملاقات، دیدار
باعَ -	فروخت	المُحضّر	آماده، حاضر
بحثَ عَن	جست و جو کرد	المُستأهل	شایسته، اهل
البلاد	کشور	وصفَ - لِ	تجویز کرد
تفصّل	نیکی کرد، بخشید	وعدَ -	وعده داد
جادَ ء علی	بخشید	فرّق	فرق گذاشت
الجبر	مرکب، جوهر	فضل	لطف، گستردگی، فراوانی
خافَ ء	ترسید	بفضلِ	به لطف، به برکت
دارَ ء	جریان یافت، چرخید	نحوَ	به سوی، به طرف
ذاتِ یومٍ	روزی، یک روز	الهوى	میل، رغبت
ذاقَ ء	چشید	قامَ ء علی	استوار بود
راحَ ء	رفت	قَبَّلَ	بوسید
رامَ ء	خواست، طلب کرد	الوهاب	بسیار بخشنده



۵	<p><b>لترجمة:</b></p> <p>الف) إلهي، أنتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ.          ب) جاءَ ابْنُهُ ثُمَّ راحَ نحوَ أبيه فَقَبَّلَهُ الأبُّ.          ج) و قد تَعَوَّدْنَا أَنْ نَأْمَنَ غَضَبَ الملوكِ بتقديم الهدايا.          د) هذه الألوانُ تجعلُ السماءَ خِلاَبَةً في الأيامِ الماطرةِ.          هـ) صَرَّحَ العلماءُ أَنَّ الشعاعَ الضوئيَّ يتكوَّنُ من سبعةِ ألوانٍ.          و) ابتسمَ النبيُّ لهم ابتسامةَ الأبِّ الحنونِ و حيَّاهم تحيةً طيبةً.          ز) لم يقتصرِ هذا النظامُ على الإنسانِ بل شملَ عالمَ النباتاتِ.          ح) القرآنُ يُخاطِبُ جميعَ أبناءِ البشرِ بثقافتهم المختلفةِ.          ط) في تلكَ الفترةِ كانَ المسلمون قد بلغوا منزلةً رفيعةً في العلومِ.          ي) استسلمَ الأبُّ المسكينُ و لم يَنهَ ولدَه لأنَّه لم يَرَجُ هدايته.</p>	۱
۱/۵	<p><b>الف) اكتب ترجمة أو تعريب ما أُشير إليه بخط:</b></p> <p>۱- فدارَ الكلامَ بينهم. (بالفارسية)          ۲- و سنستقبله بحفاوة. (بالفارسية)          ۳- أحرَقوا جثته. (بالفارسية)          ۴- چرا بین بچه‌هایت فرق می‌گذاری؟ (بالعربية)</p> <p><b>ب) اكتب:</b></p> <p>۱- المترف (المترادف) .....          ۲- ظهرَ (المتضاد) .....</p>	۲
۲	<p><b>اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة:</b></p> <p>أَوَّلُ من اكتشفَ أَنَّ ظاهرةَ قوسِ قزحٍ تحدثُ بسببِ انكسارِ ضوءِ الشمسِ في قطراتِ المطرِ عند نزوله هو قطب الدين الشيرازي. بينما كان الروميونَ يَظُنُّونَ أَنَّها عذابٌ لعقابِ الناسِ.</p> <p>الف) من اكتشفَ سببَ قوسِ قزحٍ أوَّلَ مرَّةٍ؟          ب) متى يحدثُ قوسُ قزحٍ؟          ج) ما كانَ اعتقادُ الروميينَ؟          د) ما هو معنى «ظاهرة»؟          هـ) فاعِلُ فعلِ «يَظُنُّونَ» كدام است؟</p>	۳
۰/۵	<p><b>للتعريب: داروی نادانی جوهر و قلم است.</b></p>	۴
۱	<p><b>الف) عین الصحيح مما بین القوسین:</b></p> <p>۱- إنَّکم لَتَشَقُّونَ على أنفسِکم. (محاسبه می‌کنید - به سختی می‌اندازید - ترجیح می‌دهید).          ۲- أمَّا الأبُّ فلمْ يُقَبِّلْها (قبول نکرد - بوسید- نبوسید)</p> <p><b>ب) اُکمل الفراغ فی الترجمة:</b></p> <p>- أَلْقِيتُ والدي الذي لم يُشَفَّ من مرضه إلى زاوية.          - پدرم را که از بیماری‌اش ..... به گوشه‌ای .....</p>	۵
۱/۵	<p><b>عین الصحيح فی الترجمة:</b></p> <p>الف) قد هَيَّأْنَا لَكَ و لِمُرَافِقِكَ طعاماً.</p> <p>۱- برای تو و همراه تو غذا آماده کرده‌ام.          ۲- برای تو و همراهانت غذایی آماده کرده‌ایم.</p> <p>ب) نَزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً.</p> <p>۱- خداوند قطعاً قرآن را نازل کرد.          ۲- خداوند به نیکی قرآن را نازل کرد.</p>	۶



		<p>ج) كُلُّ لَوْنٍ يَخْتَفِي يُسَبِّبُ جُزْءًا مِنَ الظُّلْمَةِ.</p> <p>۱- تمام رنگ‌ها زمانی ناپدید می‌شوند و بخشی از تاریکی را تشکیل می‌دهند.</p> <p>۲- هر رنگی که ناپدید می‌شود بخشی از تاریکی را باعث می‌شود.</p> <p>د) طَلَبُ الْأَطْفَالِ مِنَ النَّبِيِّ أَنْ يُشَاهِدَ لِعَبَهُمْ مَشَاهِدَةَ الْحَكَمِ.</p> <p>۱- کودکان از پیامبر اکرم خواستند که بازی آن‌ها را کاملاً ببیند و داوری کند.</p> <p>۲- کودکان از پیامبر خواستند که بازی آن‌ها را همچون داور مشاهده کند.</p> <p>ه) اللَّهُمَّ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَ الْهَمْنِي التَّقْوَى.</p> <p>۱- خدایا مرا به هدایت به سخن آوردی و پرهیزکاری را الهام نمودی.</p> <p>۲- خدایا مرا برای هدایت کردن به سخن آور و پرهیزکاری را به من الهام کن.</p> <p>و) جُرْحَ الْغَوَاصِ جَرَحًا شَدِيدًا وَ رَأَى دَمَهُ بِاللَّوْنِ الْأَسْوَدِ.</p> <p>۱- غوّاص زخمی شد زخمی شدن شدید و خونس را به رنگ سرخ دید.</p> <p>۲- غوّاص به شدت زخمی شد و خونس را به رنگ سیاه دید.</p>	
۷	۱/۵	<p><b>صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي التَّرْجُمَةِ:</b></p> <p>الف) طَلَبَ مِنْهُمْ أَنْ يَصِفُوا لَهُ دَوَاءً.</p> <p>- از او خواست که دارویی را برای آنان تجویز کنند.</p> <p>ب) تَظَهَّرَ ظَاهِرَةٌ قُوسٍ قَزَحٍ مَعَ أَلْوَانِهَا الْجَمِيلَةِ فِي الْأَيَّامِ الْمَاطِرَةِ.</p> <p>- پدیده‌ی رنگین‌کمان با رنگ‌های زیبا در روزهای بارانی آشکار شده است.</p> <p>ج) كَانَ الْإِنْسَانُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَغُوصَ فِي الْبَحْرِ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرِينَ مَتْرًا.</p> <p>- انسان نتوانسته بود که بیشتر از ده متر در دریا فرو برود.</p>	
۸	۱	<p><b>الف) شَكِّلْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:</b></p> <p>- يَسْتَغْفِرُ التَّائِبُ مِنْ ذُنُوبِهِ اسْتِغْفَارَ الْأَمْلِينَ.</p> <p><b>ب) صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ:</b></p> <p>أَنَا الْإِنِّ الْقَى جَزَاءً عَمَلِي.</p>	
۹	۲	<p><b>مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: ۱- الْفِعْلُ الْمُعْتَلُّ وَنَوْعُهُ ۲- الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ وَنَوْعُهُ ۳- خَبَرُ النَّوَاسِخِ ۴- الْفَاعِلُ (الاسْمُ الظَّاهِرُ) ۵- الْمَفْعُولُ الثَّانِي</b></p> <p>إذا جاء نصرُ الله و الفتح/ أخبرنا القرآن عن ظاهرة ظلمة البحر إخباراً عجيباً./ الآية تُعطينا صورةً أخرى عن البحر./ إنَّ ذلك الأب لم يَرِجْ هدايةً ولده.</p>	
۱۰	۱/۵	<p><b>أكمل الفراغ بالكلمة المناسبة:</b></p> <p>الف) ﴿عباد الرحمن الذين ..... على الأرض هونا﴾ (تمشون - يمشون - يمشيون)</p> <p>ب) تتوكل المؤمنة على الله ..... (متوكلاً - توكل - توكللاً)</p> <p>ج) طلب الحاكم من الطبيب أن ..... لمرضه دواءً. (يؤصف - يصف - يصف)</p> <p>د) قلتُ له .....، إنَّكَ ارتكبتَ معصيةَ الله. (توبوا - تَبْ - توب)</p> <p>ه) لا يستطيع الإنسان أن ..... في البحر أكثر من عشرين متراً. (يغوص - يغوص - تغوص)</p> <p>و) كأنَّ فيه ..... آخر يحملُ شحنةً أخرى. (جسيم - جسيم - جسيماً)</p>	
۱۱	۱	<p><b>الف) أكمل الفراغ بالصيغة المناسبة:</b></p> <p>۱- ..... حكايةً نقلتها لك. (المضارع المجزوم بـ «لا» من «نسي - »)</p> <p>۲- ..... الخمول و الكسالة في دروسك. (الأمر من «ودع - »)</p> <p><b>ب) عَيِّنْ نَوْعَ الْفِعْلِ الْمُعْتَلِّ:</b> ۱- المريض لم يُشَفَّ من مرضه. ۲- هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً.</p>	
۱۲	۱ ۰/۵	<p><b>الف) للأعراب:</b> ۱- كان النبي لا يدعُ التأكيد على احترام الصَّغار. ۲- اليومَ أكملتُ لكم دينكم.</p> <p><b>ب) للتحليل الصرفي:</b></p> <p>۱- إنَّهم فَرِحُونَ و أنا مسرورٌ بفَرَحِهِمْ. ۲- أَتَتَزَيَّنَّ كُلُّ نِسَاءِ الْمُهَاجِرِينَ.</p>	
	۲۰	جمع نمره	موفق باشید



۱	<p><b>برای ترجمه:</b> (هر عبارت ۰/۵)</p> <p>(الف) ای خدای من، تو شایسته هستی که به برکت توانایی خود بر من بخشش روا داری.</p> <p>(ب) پسرش آمد سپس به سوی پدرش رفت پس پدر او را بوسید.</p> <p>(ج) و عادت کرده‌ایم که با تقدیم هدیه‌هایی از خشم پادشاهان در امان بمانیم.</p> <p>(د) این رنگ‌ها در روزهای بارانی آسمان را دلربا می‌کنند.</p> <p>(ه) دانشمندان تصریح کرده‌اند که پرتو نوری از هفت رنگ تشکیل می‌شود.</p> <p>(و) پیامبر همچون پدر مهربان به آن‌ها لبخند زد و به نیکویی به آن‌ها سلام داد.</p> <p>(ز) این نظام به انسان محدود نشده بلکه شامل دنیای گیاهان [نیز] شده است.</p> <p>(ح) قرآن همه‌ی فرزندان بشر را با فرهنگ‌های مختلفشان مخاطب قرار می‌دهد.</p> <p>(ط) در آن دوره مسلمانان به جایگاه والایی در علوم رسیده بودند.</p> <p>(ی) پدر بیچاره تسلیم شد و فرزندش را باز نداشت زیرا به هدایت او امید نداشت.</p>	۹	<p><b>در عبارت‌های زیر «.....» را مشخص کن:</b> (هر مورد ۰/۲۵)</p> <p>۱- جاء (معتل و أجوف) / لم يَرْجُ (معتل و ناقص) ۲- إذا (مفعول فیه و محلاً منصوب) ۳- إخباراً (مفعول مطلق نوعی و منصوب) ۴- لم يرجُ (خبر «إنَّ» و محلاً مرفوع) ۵- نصر/ القرآن ۶- صورة</p>
۲	<p><b>الف) ترجمه یا تعریب آن چه را که زیرش خط کشیده شده، بنویس:</b> (هر مورد ۰/۲۵)</p> <p>۱- جریان یافت      ۲- به گرمی</p> <p>۳- سوزاندند      ۴- تَفَرَّقَ</p> <p><b>ب) بنویس:</b> ۱- الغني      ۲- اخْتَفَى</p> <p><b>متن زیر را بخوان و سپس به سؤالات پاسخ بده:</b></p> <p>نخستین کسی که کشف کرد که پدیده‌ی رنگین‌کمان به علت شکست نور خورشید در قطرات باران به هنگام فرود آن رخ می‌دهد، قطب‌الدین شیرازی است. درحالی‌که رومی‌ها گمان می‌کردند که آن عذابی برای مجازات مردم است.</p> <p>(الف) اکتشفه قطب‌الدین الشیرازی. (۰/۵)</p> <p>(ب) حیثما ینکسر ضوء الشمس فی قطرات المطر عند نزوله. (۰/۵)</p> <p>(ج) کان الرومیون یظنون أنَّ ظاهرة قوس قزح عذاب لعقاب الناس. (۰/۵)</p> <p>(د) پدیده (۰/۲۵)      (ه) ضمیر بارز «واو» (۰/۲۵)</p>	۱۰	<p><b>جای خالی را با کلمه‌ی مناسب کامل کن:</b> (هر مورد ۰/۲۵)</p> <p>(الف) یمشون      (ب) توکلاً      (ج) یصفَ</p> <p>(د) تُبَّ      (ه) یغوصَ      (و) جُسیماً</p>
۳	<p><b>الف) جای خالی را با صیغه‌ی مناسب کامل کن:</b> (هر مورد ۰/۲۵)</p> <p>۱- لا تَنسَیَ      ۲- دُعَ</p> <p><b>ب) نوع فعل معتل را مشخص کن:</b></p> <p>۱- لم تُشفَ: از «شَفَى - یَشْفِی» فعل ناقص و مجهول ۲- هَبَّ: امر از «وَهَبَ - یَهَبُّ» فعل مثال</p>	۱۱	<p>(هر مورد اعراب ۰/۲۵) و هر مورد تحلیل صرفی برای اسم و فعل حداقل ۵ مورد (۰/۲۵)</p> <p><b>الف) برای ترکیب:</b></p> <p>۱- لا یَدْعُ: خبر «کانَ» از نوع جمله‌ی فعلیه و محلاً منصوب / الصغار: مضاف إلیه و مجرور</p> <p>۲- الیومَ: مفعول فیه و منصوب / دینَ: مفعول به و منصوب</p> <p><b>ب) برای تجزیه:</b></p> <p>۱- فَرِحَ: اسم - جمع سالم للمذکر - مشتق و صفة مشبَّهة - نكرة - معرب - منصرف</p> <p>۲- تَتَرَيَنَّ: فعل مضارع - للغائبه - مزید ثلاثی من باب تَفَعَّلَ - لازم - مبني للمعلوم - معرب</p>
۴	<p><b>برای ترجمه از فارسی به عربی:</b> دواء الجهل هو الحبر و القلم. (۰/۵)</p>	۱۲	
۵	<p><b>الف) جواب درست را از میان پرانتز مشخص کن:</b> (هر مورد ۰/۲۵)</p> <p>۱- به سختی می‌اندازید      ۲- نبوسید</p> <p><b>ب) جای خالی را در ترجمه کامل کن:</b> (هر مورد ۰/۲۵)</p> <p>- شفا نیافته بود/ انداختم</p>		
۶	<p><b>گزینه‌ی درست را در ترجمه مشخص کن:</b> (هر مورد ۰/۲۵)</p> <p>(الف) ۲      (ب) ۱      (ج) ۲</p> <p>(د) ۲      (ه) ۲      (و) ۲</p>		
۷	<p><b>اشتباهات را در ترجمه درست کن:</b> (هر مورد ۰/۵)</p> <p>(الف) او ← آن‌ها / برای آنان ← برای او</p> <p>(ب) زیبا ← زیبایش / آشکار شده است ← آشکار می‌شود</p> <p>(ج) نتوانسته بود ← نمی‌توانست/ ده متر ← بیست متر</p>		
۸	<p><b>الف) آن چه را که زیرش خط کشیده شده است، حرکت گذاری کن:</b> (هر مورد ۰/۲۵)</p> <p>- التائبُ / استَغْفَرَ</p> <p><b>ب) اشتباهات را درست کن:</b></p> <p>(الف) الآن ← الآن / جزاء ← جزاء</p>		